

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه کوثر (جله اول)

نختم منقومی استاد اخوت ۹۴/۸/۲۳

مبانی روش شناسی اسلامی؛

در جلسات گذشته که نزدیک به یک سال به طور انجامید، در سور مبارکه ی فلق و ناس و توحید و کافرون و مسد نوعی از بحث اتفاق افتاد که این نوع بحث منجر به ایجاد یک دستگاه و نظام فکری در مخاطب گردید و قدرت تحلیل جامعه را در مخاطب بالا برد.

در سوره ی مبارکه ی فلق، بحث از "اثر و طلوع اثر" شد.

در سوره ی مبارکه ی ناس، از "القای اثر" صحبت کردیم.

در سوره ی مبارکه ی توحید بحث از "صفات" (استمرار اثر) شد.

در سوره ی مبارکه ی کافرون بحث "شاکله" (صورت بندی یک اثر یا مولد اثر) شد.

در سوره ی مبارکه ی مسد "شاکله ی نفس" (صورت بندی در نفس) در حوزه ی انسان بحث شد.

در سوره ی مبارکه ی نصر "شاکله جمع" (صورت بندی هویت جمعی) بحث شد.

در سوره ی مبارکه ی کوثر می خواهیم موضوع را به "شاکله جریان" تبدیل کنیم.

دستگاهی نگاه کردن به سوره ها، قدرت تدبیر ویژه ای به شما می دهد. تولید دستگاه فکری کاری بسیار سخت است.

جناب آقای اخوت، اسم این مجموعه را، مبانی روش شناسی اسلامی گذاشته اند. بحث های صفت، روش شناسی جمع و شاکله در این مجموعه مطرح شده است و لازم است برای باز شدن مطالب کتاب های دیگری نوشته شود. دستگاه "از مواجهه تا جریان"، مبحث علوم اجتماعی است. انتخاب این سوره ها اتفاقی بوده و تعمدی در بدست آوردن این دستگاه ها نبوده، ولی با این وجود دستگاه در آورده ایم. الان، دانشجو باید در دانشگاه کتاب دستگاه و شاکله صفت و شخصیت را بخواند. این ها مبانی روانشناسی است. باید از "صفت" برای دانشجو تعریف داشت، در غیر این صورت، دانشجو بایست، مبانی غربی را بخواند؛ "اگر کسی این مبانی قرآنی را بخواند، نتیجه اش این است که برائت می جوید از آمریکای جنایتکار و غربی که چنین انحراف بزرگی را ایجاد کرده و همه را به دنبال خود می کشاند. ان شاء الله که این مباحث ما تبیین بیشتری بشود."

سوره ی مبارکه ی کوثر؛

مقدمه سوره کوثر در سوره های قبل گفته شده است. اگر اثری بخواهد به بقا دست پیدا کند و از انقطاع دور شود چه قواعدی را باید طی کند؟ به عبارتی چگونه باقیات الصالحات شود. این موضوع را در سوره کوثر بررسی می کنیم.

سوره ی مبارکه ی کوثر می تواند یک اثر را به بقا برساند و این اتفاق عجیب و بزرگی است.

بحث "جریان"، بحث سوره ی مبارکه ی کوثر است، لذا واژه ها به شدت انتزاعی می شوند.

مطالب سوره کوثر دعاست و این دعا خواندن شیرین است.

مختصری راجع به استغفار؛

اصل استغفاری که در نهج البلاغه و دیگر روایات آمده است به حقیقت است و نه به لفظ.

اگر در استغفار پشیمانی و جبران نباشد اثری ندارد.

اگر استغفار فقط به لفظ باشد نوعی نفاق است.

سوال: می فرماید "اگر خوش اخلاق نیستی خودت را به خوش اخلاقی بزنی"، این نوعی استغفار ظاهری نیست؟

خیر. در این مورد وقتی خودت را به خوش اخلاقی می زنی چه اتفاقی می افتد؟ واقعا خوش اخلاق شدی! ولی استغفار ظاهر فقط لفظ است و نفاق را نشان می دهد.

هر کسی به نسبت استغفارش رزق دارد. عدم استغفار یعنی مانع داشتن برای دریافت رزق.

بررسی واژگان سوره ی مبارکه ی "کوثر"

- عطا: هو إيتاء شیء لشیء بمقتضى ما فی النفس من عظمة أو التزام، من دون نظر الی جهة تمليک أو غرض أو عوض أو غيرها.

این همان کتب "علی نفسه الرحمة" است. براساس کرامت است.

عطا همان است که در دعا می گوئیم: "یا من يعطی الكثير بالقليل، یا من يعطی من لم یسئله و من لم یعرفه تحننا منه و رحمه".

عطا یعنی تحنن و رحمت.

عطا در قرآن کم به کار برده شده و اختصاصی است. مثلا در کارخانه ای مدیر به علاوه ی حقوق مبلغی را به کارگران می دهد، این شأن معطی را می رساند.

آیه "ربنا الذی اعطی کل شی خلقه ثم هدی" نشان می دهد که خلق پیامبر اعطای کوثر بوده است.

عطا جایی آمده که ظرفیت سازی برش مترتب می شود.

هر عطایی منتی دارد. عطا برای بهشت، جزیه به کار برده شده است. اعطای جزیه یعنی براساس تعهدی از جانب حکومت باید پرداخت شود. مثلا کسی که جزیه می دهد به خاطر لطف حکومت است به او.

- کثر: هو ما یقابل القلّة، و أكثر استعمالها فی الكمیّة و المقدار.

- صلوا: هو الثناء الجمیل المطلق الشامل للتجیة و غيرها.

واژه ی "صلوات" هم از "صلو" میاید. "صلاه و صلوات" طیف گسترده ای دارد.

به عمق معنای "صلو" نمی توان پی برد. پی گیری برای رسیدن به معنای "صلو" را از لازمه ی آن انجام می دهیم.

واژه ی "صلو" معنایی محکم و لفظ متشابه دارد.

برای تشخیص معنای صلاه باید قرینه داشته باشیم.

واژه ثنا جمیل نزدیک به حمد و رحمت است. و اشتراک معنا دارند.

✓ "صلو" و "صل"؛ به نظر می رسد "صلو" و "صل" باهم مرتبطند. "صلاه" انسان را به خدا وصل می کند.

✓ "صلوات" و "تسلیم"؛ "صلوات" و "تسلیم" هم به هم نزدیکند.

"صلوا علیه وسلموا تسلیما"؛

✓ قید زیبایی و حسن در جلوه های اعطا و دعا وجود دارد و این صلو است. در نماز تزیین وجود دارد. روبه قبله بودن و جلوه های ظاهری نماز مهم هستند. بچه ها سریعا به نماز جذب می شوند و همه ی جلوه ها را تکرار می کنند. مثلا سجده برای همه ی بچه ها جالب است. در حالی که بزرگترها کوچکترین توجهی به این جلوه ها ندارند.

- نحر: هو قطع فی الحلقوم من الحيوان بذبح أو طعن

واژه ی "نحر" برای شتر بکار می رود.

اغلب روایات این معنا را نیاوردند. در روایات بالا آوردن دست ها تا محاذی گردن را نحر می دانند. که در اسرار نماز آمده منظور از جان گذشتگی است.

- شناً: هو البغض مع الكراهة و التجنب.

دوری و نفرت داشتن.

- ابتر: أن المادّة يستفاد منها القطع في قبال الإتمام، لا مطلقاً، مادّيّاً أو معنويّاً. كل امر ذی بال لم یبدا بیسم الله فهو ابتر.

پیگیری سوره از طریق واژه ی "کثر"

می شود این سوره را از طریق واژه ی "کوثر" پیگیری نمود.

واژه ی "کثر" در آیات و روایات بررسی می کنیم.

- میزان و مقیاس در کثرت و قلت؛ اول اینکه کثرت و قلت، میزان و مقیاس دارد. از میزان هر چیز جنس آن را می توان فهمید.
- ارتباط ثقل با کثرت و قلت؛ ثقل با کثرت و قلت ارتباط پیدا می کند و در مباحث هستی شناسی و جامعه شناسی مهم می شود.
- کثرت برای مخلوق است و کلمات متفاوتی دارد؛ واژه کثرت به مخلوقات وابسته است و خدا احد و صمد است. با این وجود همین خدا کثرت را می دهد. "لئن شکرتم لازیدنکم" چون جنس کثرت ها متفاوت است کلمات متفاوتی هم بکار می روند.
- مفهوم زیادی در واژه ها؛ تضاعف، کثرت، زیادی، آلف و خیلی واژه های دیگر زیادی را می رسانند. مفهوم مشترک واژه ها در مقابل کثرت یا هم راستای کثرت باشند.

مقابل داشتن یا نداشتن کلمات در قران؛ ۳ مدل واژه داریم.

کثرت و قلت: "قلیل من عبادی الشکور" "اکثر الناس لا یعقلون".

- کلماتی که برایشان در قران، مقابل نیامده است؛ مثلاً برای کلمه ی "زیاد" در قران مقابل نیامده است، مثلاً "کم" نیامده. چراکه هر شیء ای یک مفهوم کمال دارد و یک مفهوم تمام؛ زیادی مشخص نیست که در کمال است یا در تمام.
- یک سری از کلمات هم در قران هستند که مقابل دارند.

واژه هایی که نامحدود را تبیین می کند مقابلی ندارند. منظور از واژه ی "نقص" در روایت "نساء نواقص العقولند" این است که نسا نمی توانند در برخی صحنه های اجتماعی حضور یابند. مثل جهاد، قضاوت، حضور در مسجد در بعضی اوقات، که این ها نقص است.

هیچ کدام از واژه‌های قرآن در بیان زیادی مثل کثرت نیست چرا که جمیع موارد زیاد بودن را شامل می‌شود، بعلاوه ی این که دامنه ی وسیعی در قرآن با اشتقاقاتی مثل "کوثر"، "کثیر"، "تکثیر" دارد.

"جریان" برای واژه ی "کوثر" انتخاب شده است و چرایی این انتخاب بعدتر مطرح خواهد شد، ان شاءالله.

در تکثیر زیادیِ عدد مطرح است و در کوثر زیادیِ اتصال مطرح است.

کوثر منحصر در معنای مثبت است و بار معنوی دارد.

وصل و قطع مقابل دارند ولی منشأ کثرتند.

بی نهایت قابل احصا؛ از دل واژه ی "کثر" که عدد دارد می توان به بی نهایت رسید.

بی نهایت ذاتی و غیر قابل احصا؛ در واژه ی "کوثر" هم، بی نهایت اتفاق افتاده ولی این زیادی به خاطر عدد نیست بلکه به خاطر اتصال است.

مثلاً، آب یک سد به آب رودخانه وصل است پس زیاد است. باید بتوانیم منشأ کثرت را ببینیم.

باید سعی کنیم مفهوم کثرت در ابعاد مختلفش برای ما باز شود. ما از قطع شدن، کمی را حس می کنیم اما از وصل شدن، کثرت را حس نمی کنیم! اگر این موضوع را بفهمیم می توانیم درک کنیم که چگونه یک عمل کم ماندگار می‌شود.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات